

Political Economy of Budget Allocation Based on the Parliamentary Positions of Iran's Islamic Consultative Assembly Representatives: An Analytical Hierarchy Process (AHP) Approach

*Fatemeh Mardani**, *Mohammad Taher Ahmadi Shadmehri***, *Hadi Ghavami****
and *Ali Cheshomi*****

Research Article	Receive Date: 2023.10.09	Accept Date: 2024.03.02	Online Publication Date: 2024.03.02	Page: 175-210
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	---------------

The annual national budget, as the most critical component of macroeconomic planning within the framework of five-year development plans, should be prepared, approved, and implemented to achieve the objectives of higher-level documents. However, due to the competitive nature of budgeting and conflicts of interest among actors in the budgeting system, this alignment is often lacking. This article focuses on the motivations and roles of Islamic Consultative Assembly representatives in exacerbating this deviation during the budget approval process. To this end, while addressing the literature on political economy, parliamentary positions, and representatives' motivations, five influential parliamentary positions in the budget approval process were identified, and their impact coefficients were determined using the Analytical Hierarchy Process (AHP). A regression model based on variables related to parliamentary positions, representatives' characteristics, and the economic capacity of provinces for the 9th and 10th parliamentary terms (2012–2019) revealed that, except for seniority, parliamentary positions, party affiliations, and the number of provincial seats significantly and positively impacted the increase in provincial development budgets from national revenues. Thus, in Iran's parliamentary organization, the committee interest theory and partisanship theory are applicable.

Keywords: *Development Budget; Parliamentary Positions; Analytical Hierarchy Process; Parliamentary Organization*

* PhD Student in Economics, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: fa.mardani@um.ac.ir

** Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author); Email: shadmri@um.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: qavami_h@um.ac.ir

**** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: a.cheshomi@um.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 32, No. 123, Fall 2025

How to cite this article: Mardani, F., M. T. Ahmadi Shadmehri, H. Ghavami and A. Cheshomi (2025). "Political Economy of Budget Allocation Based on the Parliamentary Positions of Iran's Islamic Consultative Assembly Representatives: An Analytical Hierarchy Process (AHP) Approach", *Majlis and Rahbord*, 32(123), p. 175-210.

doi: 10.22034/MR.2024.16184.5655

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران؛ براساس رویکرد تحلیل فرایند سلسله مراتبی (AHP)

فاطمه مردانی، *محمدطاهر احمدی شادمهری، ** هادی قوامی *** و علی چشمی ****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	شماره صفحه: ۱۷۵-۲۱۰
----------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	------------------------

بودجه سالیانه کشور، به عنوان مهم ترین مؤلفه برنامه ریزی کلان اقتصادی و در ذیل برنامه های توسعه پنج ساله شناخته می شود که باید در راستای تحقق اهداف اسناد بالادستی، تهیه، تصویب و اجرا شود. با این حال، به دلیل طبیعت رقابت پذیر بودجه و تضاد منافع میان کنشگران نظام بودجه ریزی، این هماهنگی و تطابق وجود ندارد. رویکرد این مقاله، تمرکز بر انگیزه ها و نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تشدید این انحراف در جریان فرایند تصویب بودجه سالیانه کشور است. از این رو، ضمن پرداختن به ادبیات اقتصاد سیاسی، جایگاه های پارلمانی و انگیزه های کنش نمایندگان، پنج جایگاه مؤثر بر فرایند تصویب بودجه را شناسایی و با استفاده از روش تحلیل فرایند سلسله مراتبی (AHP) به تعیین ضریب تأثیر این جایگاه ها پرداخته شده است. سپس با تصریح مدل رگرسیونی براساس متغیرهای مربوط به جایگاه ها و ویژگی های نمایندگان و نیز ظرفیت اقتصادی استان مزبور برای دوره های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۹) مشخص شد که به استثنای مؤلفه ارشدیت، جایگاه های پارلمانی، گرایش های حزبی و تعداد کرسی های نمایندگی استان تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی داشته است. بنابراین، در فضای سازمان دهی پارلمانی کشور، نظریه منافع کمیته و نظریه حزبی گرایی قابلیت انطباق دارد.

کلیدواژه ها: بودجه عمرانی؛ جایگاه های پارلمانی؛ فرایند تحلیل سلسله مراتبی؛ سازمان دهی پارلمانی

* دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

Email: fa.mardani@um.ac.ir

** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: shadmri@um.ac.ir

Email: qavami_h@um.ac.ir

*** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

Email: a.cheshomi@um.ac.ir

**** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و سوم، پاییز ۱۴۰۴

روش استناد به این مقاله: مردانی، فاطمه، محمدطاهر احمدی شادمهری، هادی قوامی و علی چشمی (۱۴۰۴). «اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران؛ براساس رویکرد تحلیل فرایند سلسله مراتبی (AHP)». مجلس و راهبرد، ۳۲(۱۲۳)، ص. ۱۷۵-۲۱۰.

doi: 10.22034/MR.2024.16184.5655

مقدمه

فرایند بودجه‌ریزی، ابزاری برای انتخاب میان ارزش‌های اجتماعی متفاوت و تخصیص منابع برای نیل به آنها است. بنابراین، بودجه دولت فراتر از صورت دخل و خرج یک‌ساله، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم و مقوله‌های سازمان‌دهی اقتصاد کشورها محسوب می‌شود که اهداف کمی و کیفی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اساسی برنامه‌های توسعه را پی گرفته و شرایط اجرای آن را تعیین و محقق می‌سازد. درواقع، قانون بودجه هر کشور، در سطح خاصی از برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد و در کنار سایر قوانین و برنامه‌های آن کشور عینیت می‌یابد. بودجه در صورتی می‌تواند دقیق، سنجیده، تحلیلی و نظام‌مند تهیه شود که مبتنی بر برنامه میان‌مدت^۱ و آن نیز برپایه برنامه بلندمدت^۲ تنظیم شده باشد.^۳ هرچند اصطکاک ذاتی میان چشم‌انداز کوتاه‌مدت بودجه‌ریزی با دیدگاه بلندمدت برنامه‌ریزی استراتژیک، تحقق این همگرایی را همواره با چالش مواجه می‌کند.

حال آنکه بنا به تعریف قانون برنامه و بودجه مصوب اسفندماه سال ۱۳۵۱، نظام بودجه‌ریزی ایران یک نظام «بودجه برنامه‌ای» است که باید در سطوح مختلف، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری شود. ازاین‌رو، بودجه دولت باید به‌عنوان بخشی از برنامه‌های میان‌مدت، در مطابقت عملیاتی، اعتباری و زمانی با پیش‌بینی‌های برنامه توسعه تنظیم و اجرا شود. این در حالی است که تا پیش از برنامه ششم توسعه، دستورالعمل مشخصی برای نحوه تنظیم لایحه بودجه در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله وجود ندارد؛ علاوه بر اینکه رعایت ارقام مندرج در جدول ۴ قانون برنامه ششم توسعه^۴ نیز تنها به سال ۱۳۹۶ - احتمالاً به دلیل هم‌زمانی تدوین سند برنامه و لایحه

1. Programming

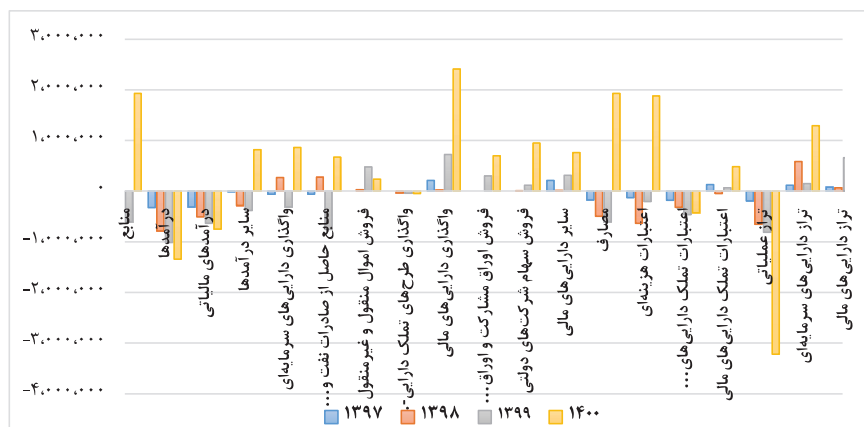
2. Planning

۳. این رویکرد در نظریه‌های بودجه‌ریزی به نظریه Planning Programming Budgeting System (PPBS) شناخته می‌شود.

۴. براساس ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه به‌منظور انطباق بودجه‌های سنوایی با قانون برنامه ششم، انضباط مالی، اصلاح فرایند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت بر عملکرد هزینه‌های دولت «لوايح بودجه سالانه با رعایت این قانون و با اعمال تعدیل متناسب با

بودجه - محدود است و برای سال‌های بعد، سقف مطلوب برنامه در تنظیم لایحه بودجه لحاظ نشده است و انحراف ترازهای عملیاتی، تراز دارایی‌های سرمایه‌ای و تراز دارایی‌های مالی در لایحه سال ۱۴۰۰، به‌عنوان آخرین سال اجرای برنامه، به ۱۱۹۴۹/۶، ۱۶۷۸/۱ و ۳۸۷۳/۸ درصد می‌رسد.^۱ این انحرافات در شرایطی روی می‌دهد که نهاد دولت متولی تنظیم متن برنامه توسعه و متن لایحه بودجه است.

نمودار ۱. تفاضل ارقام لوايح بودجه از برنامه ششم توسعه (مليارد ريال)



مأخذ: یافته های تحقیق.

علاوه بر این، تقدیم لایحه به صحن علنی مجلس و آغاز فرایند تصویب قانون بودجه، مجدداً زمینه تغییر ارقام بودجه‌ای و انحراف بیشتر از برنامه توسعه را فراهم می‌کند. به‌طور مشخص، اگرچه لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ کاملاً منطبق با اهداف برنامه

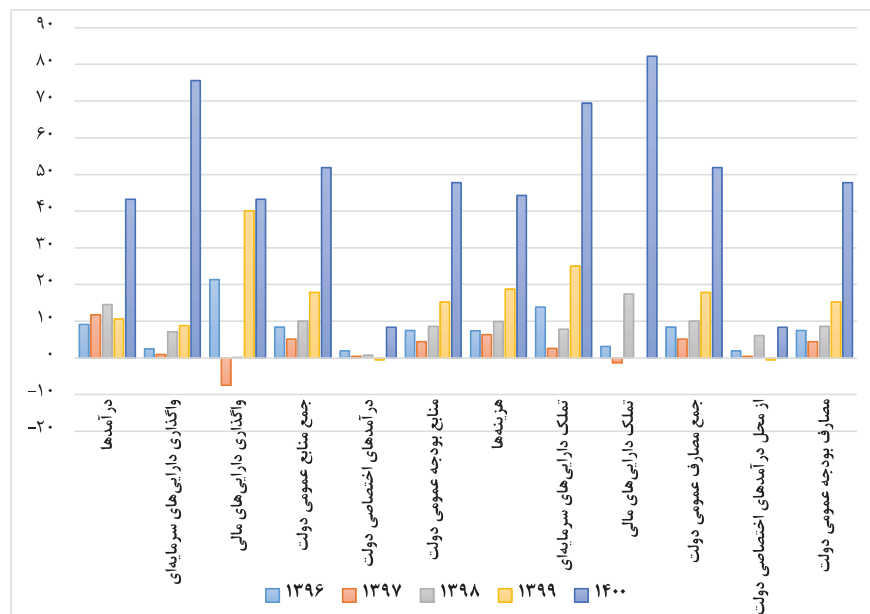
تحولات و شاخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با رعایت قواعد مالی مندرج در جدول شماره ۴ این قانون، تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.

۱. براساس بند «۲» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه «سقف اعتبارات هزینه‌ای بودجه عمومی دولت در سال‌های اجرای قانون برنامه، مطابق ارقام جدول ۴ این قانون تعیین می‌شود. جابه‌جایی و افزایش منابع و مصارف در این جدول حداکثر تا پانزده درصد (۱۵٪) در قالب لوایح بودجه سنواتی مجاز است».

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۱۳۹۰۰

تنظیم شده است، اما در مرحله تصویب، تمامی ارقام تغییر کرده و نمایندگان مجلس براساس برخی ملاحظات، نگرش‌ها و دغدغه‌هایی متفاوت با حوزه اجرا، توانسته‌اند با افزودن بر سقف متمم‌ها یا اصلاحیه‌های بودجه، سقف منابع و هزینه‌های دولت را افزایش دهند؛ به‌طوری‌که «واگذاری دارایی‌های مالی» بیش از ۲۱ درصد و عنوان «تملک دارایی‌های سرمایه‌ای» بیش از ۱۳ درصد افزایش را طی فرایند تصویب بودجه سال ۱۳۹۶ تجربه کرده است. تشدید این روند طی سال‌های بعد و اعمال تغییرات گسترده لایحه بودجه در فرایند پارلمانی تصویب آن، بر دامنه انحراف از برنامه توسعه افزوده و در عمل کارکرد و انضباط آن را مختل کرده است.

نمودار ۲. درصد تغییرات بودجه مصوب نسبت به لایحه بودجه سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰



مأخذ: همان.

آنچه این مقاله به آن می‌پردازد بررسی نقش نمایندگان مجلس در تغییر لایحه پیشنهادی دولت با اتکا به نظریه «اقتصاد سیاسی»^۱ و «نظریه انتخاب عمومی»^۲ ناظر به تغییرات پیوست یک لایحه بودجه کل کشور در فرایند تصویب پارلمانی بودجه است. مدعای پژوهش این است که تصدی برخی جایگاه‌های ویژه در مجلس شورای اسلامی، قدرت چانه‌زنی و اعمال نفوذ بیشتری را برای نمایندگان مجلس فراهم می‌کند تا راحت‌تر بتوانند اهداف مدنظر خود را پیگیری کنند. این جایگاه‌ها شامل پنج موقعیت عضویت در هیئت‌رئیس مجلس، ریاست یکی از کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و درنهایت، عضویت در کمیسیون تلفیق به تفکیک نمایندگی از طرف کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات یا نمایندگی سایر کمیسیون‌ها است که براساس تجمیع نظر نخبگان و براساس روش تحلیل فرایند سلسله‌مراتبی^۳ صورت می‌گیرد. در مرحله دوم، میزان اثرگذاری این متغیر در کنار مؤلفه‌هایی نظیر ارشدیت، گرایش‌های حزبی و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان برای دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۱) در قالب مدل رگرسیونی ارائه شده است تا از این طریق، ارتباط میان افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی با موقعیت نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

به این ترتیب، این مقاله در ابتدا ضمن پرداختن به ادبیات امور سیاسی توزیع و سازمان‌دهی پارلمانی، پیشینه تحقیق را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش روش‌شناسی، به بررسی نتایج حاصل از جمع‌آوری نظر نخبگان در خصوص جایگاه‌های

1. Political Economics

2. Public Choice Theory

3. Analytical Hierarchy Process (AHP)

مؤثر خواهد پرداخت و تحلیل نتایج حاصل از مدل رگرسیون ارائه می‌شود. بخش نهایی، به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

۱. امور سیاسی [باز]توزیع و رهیافت انتخاب عمومی در تصمیم‌گیری

اگر تصمیم‌گیری فرایندی در نظر گرفته شود که به کمک آن، انتخاب‌هایی صورت می‌گیرد یا یک انتخاب مرجح برگزیده می‌شود، آنگاه معنای تصمیم شامل یک نقطه یا مجموعه‌ای از نقاط در فضای زمان و مکان خواهد بود که در آن سیاستگذاران به تخصیص ارزش‌ها می‌پردازند. از این منظر، تصمیم‌گیری را می‌توان در خلال چرخه سیاستگذاری گسترش داد؛ برای مثال، اینکه چه چیزی به «مسئله» تبدیل شود، چه اطلاعاتی مهم است، اولویت سیاست‌ها چه چیزهایی هستند، انتخاب در خصوص اهداف و ابزارها و نیز نحوه اجرای سیاست‌ها و معیارهای ارزیابی آنها چگونه صورت گیرد و غیره (پارسونز، ۱۳۹۲). به‌طور مشخص، ماهیت سیاسی تصمیم‌گیری و چگونگی تأثیرگذاری «امور سیاسی» بر «انتخاب‌های اقتصادی» در جامعه، مبنای رویکرد «اقتصاد سیاسی» را تشکیل می‌دهد. مفهوم «جامعه» در این تعریف، نه فقط کشورها یا سایر حوزه‌های قدرت بلکه بنگاه‌ها، گروه‌های اجتماعی یا سایر سازمان‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. در رویکرد «جدید» از ابزارهای مفهومی و تکنیکی^۱ تحلیل اقتصاد مدرن در تبیین مسائل استفاده می‌شود و درعین حال، ارتباط بسیار نزدیکی با حوزه «نظریه انتخاب عمومی» دارد (درازن، ۱۳۹۰). درواقع، نظریه انتخاب عمومی نوعی برنامه تحقیقاتی است که از مدل‌های انتخاب عقلایی^۲ برای تجزیه و تحلیل انتخاب‌های سیاستی دولت استفاده می‌کند (Shepsle and Weingast, 1981a) و

1. Conceptual and Technical Tools

2. Rational Choice Models

مسئله آن پرداختن به چگونگی شکل‌گیری انتخاب‌های سیاستی، نقش نهادهای سیاسی در اثرگذاری بر این انتخاب‌ها و نیز چگونگی ظهور و تبدیل این نهادهاست. در چارچوب نظریه انتخاب عمومی، سیاستگذاری‌ها در حوزه اقتصاد، برآیندی از انتخاب عقلایی مبتنی بر نفع شخصی در یک بستر نهادی مشخص هستند و بنابراین، نمی‌توان آنها را متغیری برون‌زا در نظر گرفت. تمرکز اصلی، اغلب بر چگونگی تعیین درون‌زای آن هدفی است که تلویحاً در مدل‌سازی‌های اقتصادی موضوع حداکثرسازی قرار می‌گیرد؛ هدفی که خود طی فرایندهای سیاسی تعیین شده و به‌نوبه خود برون‌داد اقتصادی را شکل می‌دهد. مسئله اصلی، تبیین چگونگی شکل‌گیری انتخاب‌ها در جامعه‌ای با کارگزاران ناهمگون است و نقطه تمرکز بر فرایندی قرار دارد که طبق آن تصمیم گرفته می‌شود چه سیاستی انتخاب شود. بنابراین، پرسش اصلی این است که در هر فرایند سیاسی خاص، کدام سیاست اقتصادی انتخاب خواهد شد.

درواقع، ناهمگون بودن منافع، کلید اصلی سیاسی شدن مسئله است. اگر همه افراد عامل تنزیل یکسانی داشته باشند و هیچ امکانی برای تفاوت مصرف میان افراد وجود نداشته و متغیرهای فردی و اجتماعی یکسان باشد، در این صورت، با هر سازوکار انتخاب جمعی، هیچ‌گونه مسئله سیاسی ایجاد نخواهد شد. به عبارت دیگر، اگر منافع افراد متضاد نباشد، انتخاب سیاست اقتصادی، همان انتخاب برنامه‌ریز اجتماعی است که حداکثر کردن مطلوبیت جامعه را هدف‌گذاری کرده است. اما اگر میان کارگزاران اقتصادی در جامعه تضاد منافع^۱ وجود داشته باشد، این سؤال مطرح خواهد بود که چگونه آن جامعه، تصمیمات سیاسی جمعی می‌گیرد که نتایج آن تصمیمات بر کل جامعه اثرگذار است؟ تصمیماتی که در آن، برآیند سیاست انتخابی حاصل از فرایند تصمیم‌گیری جمعی، با سیاست «بهینه»‌ای متفاوت است

که براساس رویکرد بهینه‌یابی اقتصادی انتخاب نهایی حتمی خواهد بود. بنابراین، این ناهمگونی منافع است که مبنای حوزه اقتصاد سیاسی و به همین ترتیب، نظریه انتخاب عمومی را تشکیل می‌دهد (درازن، ۱۳۹۰).

از مهم‌ترین زمینه‌ها برای مطالعه ناهمگونی منافع، ساختار نهاد دولت و نحوه تعامل آن با سایر بخش‌های اقتصادی است؛ درواقع، براساس رویکرد نظریه انتخاب عمومی، «استفاده از ابزار اقتصادی برای تحلیل مباحث و موضوع‌های سیاسی» (Mueller, 2019; Shaw, 2005; Tullock, 2008) عمدتاً با اتکا به این پیش‌فرض صورت می‌گیرد که سیاستمداران، مدیران، کارمندان دستگاه‌ها و دوایر دولتی همانند سایر افراد، انسان‌هایی عقلایی هستند که در راستای حداکثر کردن منافع خود رفتار می‌کنند و دلیلی ندارد که پس از قبول مسئولیت‌های دولتی به یک‌باره تغییر رفتار داده و برای تأمین منافع اجتماعی از منافع خصوصی خود چشم‌پوشی کنند (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴). از مهم‌ترین کارهای پژوهشی در مرزهای علوم اقتصادی و سیاسی که به‌عنوان مبانی رویکرد انتخاب عمومی شناخته می‌شود، می‌توان به «ارزش‌های فردی و انتخاب اجتماعی»^۱ کنت ارو^۲ (۱۹۵۱)، «نظریه اقتصادی دموکراسی»^۳ آنتونی داونز^۴ (۱۹۵۷)، «نظریه کمیته‌ها و انتخابات»^۵ دانکن بلک^۶ (۱۹۵۸)، «محاسبه رضایت»^۷ جیمز بوکانان و گوردون تالوک^۸ (۱۹۶۲) و «منطق کنش جمعی»^۹ از

1. Social Choice and Individual Value

2. Kenneth Arrow

3. An Economic Theory of Democracy

4. Anthony Downs

5. The Theory of Committees and Election

6. Duncan Black

7. The Calculus of Consent

8. James Buchanan and Gordon Tullock

9. The Logic of Collective Action

منکیور اولسون^۱ (۱۹۶۵) اشاره کرد. همه این پژوهش‌ها سؤال اصلی خود را پیرامون شناسایی انگیزه‌هایی قرار داده‌اند که کنشگران بخش عمومی در هنگام تصمیم‌گیری در این حوزه با آن مواجه می‌شوند. با مشخص کردن این انگیزه‌ها، نظریه‌پردازان انتخاب عمومی پیش‌بینی می‌کنند که افراد مختلف چگونه عمل خواهند کرد و چگونه می‌توان به یک برآیند جمعی رسید. درواقع انگیزه‌ها، متأثر از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و قواعد به کار رفته برای تصمیم‌گیری درباره تخصیص، تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تولید شده شکل می‌گیرد (Ostrom, 2007).

به‌طور مشخص، بودجه سالیانه دولت یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در بخش دولتی است که در بستر آن، مسئله تضاد منافع میان کارگزاران مرتبط کاملاً قابل مشاهده است. «از آنجاکه در فرایند بودجه‌ریزی، منابع و امکانات کشور براساس نظر و قواعد دولت تخصیص می‌یابد، لذا ذاتاً نیازمند انتخاب و تعیین اولویت است و به همین دلیل، سیاست‌های بودجه‌ای در مفهوم گسترده، محل نزاع مدعیان رقیب برای تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص منابع محدود دولت، میان تعداد نامحدودی از اهداف ملی ضروری است» (قاسمی، ۱۳۸۱). ازاین‌رو، شناسایی هم‌سویی یا تعارض احتمالی منافع حاکمیت با برخی گروه‌های اجتماعی، یا وجود تضاد و تنازع در منافع طبقاتی و کارکردهای نظام توزیع دارای اهمیت است؛ زیرا گروه‌های ذی‌نفع از طریق فرایندهای لابی‌گری تلاش می‌کنند اعتبار یا ردیفی در راستای منافع خود جذب کنند. در مقام عمل، نتیجه نهایی آن است که طبق الگوی نiskanen^۲ (۱۹۷۱) برخی از نمایندگان عموماً بودجه‌ای فراتر از بودجه بهینه را ترجیح می‌دهند.

براساس یک تقسیم‌بندی می‌توان سیاست‌های بودجه‌ای را برحسب گستره نفع

1. Mancur Olson

2. Niskanen

برندگان از منافع آنها در دو گروه عمده تعریف کرد: گروه اول شامل «امور سیاسی منافع عام»^۱ هستند که منافع آنها، گروه وسیعی از افراد جامعه را دربرمی گیرد؛ برنامه های گسترده ای نظیر بیمه بیکاری و مستمری بازنشستگان از جمله این سیاست هاست. گروه دوم شامل «امور سیاسی منافع خاص»^۲ می شود که به هزینه تمام مالیات دهندگان، منفعی را به گروه خاصی از شهروندان - گروه خاصی از اصناف یا منطقه ای خاص - اختصاص می دهد و تحت عنوان «مخارج پروژه های دارای منافع اختصاصی»^۳ از آن یاد می شود.^۴ ویژگی کلیدی چنین پروژه های این است که آن قدر ریز و جزئی شده که تغییر یا حذف منافع یک منطقه اثری روی منافع دریافتی سایر مناطق ندارد (Bickers and Stein, 1996; Evans, 2011; Kennedy, 2015; Shepsle and Weingast, 1981b; Stein and Bickers, 1994; Weingast, Shepsle and Johnsen, 1981). این سیاست ها غالباً در راستای افزایش احتمال انتخاب مجدد سیاست مدار (Hammond and Rosenstiel, 2020; Klingensmith, 2019; Persson and Tabellini, 2000)، با

1. General Interest Politics

2. Special Interest Politics

3. Earmarks/Pork Barrel Expenditures

Earmark: ردیف مخارجی است که به صورت تخصیص بودجه (لایحه بودجه تخصیصی: Appropriation Bill) و یا به طور متداول، گزارشی همراه با این وجوه است که سبب می شود بودجه توسط کنگره به سازمان، پروژه، گروه یا منطقه ای خاص و عمدتاً براساس حوزه های انتخاباتی کنگره اختصاص یابد که به صورت ضمیمه گزارش کمیته ارائه می شود (Clemens, Crespín and Evans; 2004). (Lynch, 2020; Kennedy, 2015; Finocchiaro, 2015a, b).

Pork Barrel: ردیف مخارجی درخصوص پروژه های منطقه ای است که در لحظات پایانی تصویب قطعنامه مشترک (Resolution Concurrent) به بودجه ایالات متحده اضافه شده و بنابراین، فرایند متعارف را طی نکرده است و به ندرت شفافیتی در مورد دریافت کنندگان یا حمایت کنندگان آن وجود دارد. حجم بسیار زیاد بودجه و نیز ارائه بودجه نه به صورت یک کل واحد که در قالب ۱۲ لایحه جداگانه، این امر را به یک ویژگی دائمی بودجه آمریکا تبدیل کرده است (Bake, 2021; Kennedy, 2015). در اغلب مطالعات از داده های Earmark با عنوان بودجه Pork Barrel استفاده شده است (Berry and Bickers et al., 2007). (Alexander, Berry and Howell, 2016; Fowler, 2016).

۴. به منظور روان تر کردن معادل فارسی، از این پس از واژه «بودجه پروژه های اختصاصی» استفاده می شود.

هدف تضمین شرایط شغلی آینده^۱ (Kerevel, 2015)، به عنوان پاداش وفاداری حزبی^۲ فرد نماینده (Curto-Graua and Zudenkova, 2018)، حمایت حزبی از نمایندگان آسیب پذیر (Lazarus, 2009) یا در راستای رفع مشکل کنش جمعی نمایندگان برای حمایت از طرح های ملی (Evans, 2004) تعریف می شود. براساس منطق کنش جمعی اولسون (۱۹۶۵) تا زمانی که سیاست اقتصادی به طور مشخص در راستای منفعت یک گروه خاص قرار داشته باشد، انگیزه های سیاسی برای اثرگذاری بر طراحی چنین سیاست هایی در گروه های ذی نفع نسبت به گروه بزرگ تر قوی تر است که متحمل هزینه های این سیاست می شود.

نمایندگان مجلس برای دریافت بودجه بیشتر، در کنار چانه زنی با مقامات اجرایی، نسبت به مبادله رأی - یا به تعبیری زدوبندهای انتخاباتی^۳ - اقدام می کنند به این امید که هر کدام از نمایندگان بتوانند از انطباق و تخصیص برنامه های توزیعی در منطقه خود منتفع شوند. به این ترتیب، براساس لابی صورت گرفته میان نمایندگان، هر کدام به پیشنهاد بودجه ای نماینده منطقه دیگر - هر چند آن پیشنهاد چندان برای آن منطقه ضروری نباشد - رأی مثبت می دهند و در مقابل، رأی مثبت آنها را در زمان ارائه پیشنهاد خود دریافت خواهند کرد (Bernholz, 2012; Bickers et al., 2007; Farina, 2005).

۲. سازمان دهی پارلمانی و امور سیاسی بودجه پروژه های اختصاصی^۴

براساس ادبیات اقتصاد سیاسی بازتوزیع، بودجه پروژه های اختصاصی بخش جدایی ناپذیر از زندگی سیاسی پارلمانی و فرایند قانونگذاری است. در حالی که درباره

1. Career Concern

2. Party Loyalty

3. Logrolling

4. Pork Barrel Politics

انگیزه‌های بودجه‌خواهی نمایندگان به نفع حوزه انتخابیه (طرف تقاضا) اتفاق نظر تقریبی وجود دارد، ادبیات مربوطه در تبیین طرف عرضه و نقش پارلمان در سه نظریه کلی قابل تقسیم‌بندی است: نظریه توزیعی^۱، حزب‌گرایی^۲ و اطلاعاتی^۳.

نظریه توزیعی یا نظریه «منافع حاصل از مبادله»^۴ و «منافع کمیته»^۵ (Evans, 2011) طراحی عملکرد داخلی پارلمان (کنگره) در قالب کمیته‌های تخصصی – به عنوان نهادهای اصلی سازمان‌دهی پارلمان – را در راستای ارتقای توزیع منافع سیاستگذاری به نفع حوزه‌های انتخابیه می‌داند (Shepsle and Weingast, 1981a; Weingast and Marshall, 1988; Weingast, Shepsle and Johnsen, 1981). عضویت در کمیته این مزیت را دارد که اعضا می‌توانند پیش از سایر نمایندگان مجلس، موضوع سیاستگذاری‌های مرتبط با حوزه فعالیت کمیته را مورد بررسی قرار دهند؛ بر این اساس، کمیته‌ها سبب تسهیل زدوبندها در خصوص پروژه‌های تحت حوزه فعالیت کمیته شده و به این ترتیب، از بروز چرخه‌های رأی‌گیری بی‌پایان به دلیل تعادل ساختاری القایی^۶ آن (Shepsle and Weingast, 1981a) مانع می‌شوند و علاوه بر این، با حل مشکلات کنش جمعی این امکان را فراهم می‌کنند تا در نهایت، اعضا بتوانند با پیگیری منافع حوزه انتخابیه، احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند. در این بین کمیته تخصیص^۷ با قدرت تعیین زمان، مکان و چگونگی هزینه‌کرد مخارج دولت مرکزی، بخش اعظم مطالعات را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، عضویت در

1. Distributive Theory of Legislative Organization

2. Parisian Theory of Legislative Organization

3. Informational Theory of Legislative Organization

4. Gains-From-Trade

5. Committee Benefits

6. Structure Induced Equilibrium

7. Appropriation Committee

این کمیته از آن جهت مطلوب است که می‌تواند در انتقال بودجه‌های کمک‌هزینه و پروژه‌های اختصاصی به سمت حوزه انتخابیه اعضای خود کمک‌کننده باشد.

در کنار آن، انحصارهای حکمرانی کمیته بر فضای سیاستگذاری تحت صلاحیت خود که تحت عنوان «قاعده دروازه بانی»^۱ شناخته می‌شود، امکان چانه‌زنی با سایر کمیته‌ها را فراهم می‌کند. بر این اساس، کمیته‌ها: ۱. متشکل از افرادی هستند که بالاترین سطح تقاضا را نسبت به حوزه فعالیت کمیته دارند؛ ۲. مکانیسم ورود به آن، نظیر مکانیسم مزایده‌ای است که افرادی با بالاترین درجه ارزش‌گذاری به آن وارد می‌شوند و ۳. اعضای کمیته بیش از سایرین از منافع محدوده اختیارات آن منتفع می‌شوند (Weingast and Marshall, 1988). ایونز^۲ (۲۰۱۱) معتقد است به‌طور ویژه، کمیته‌های فرعی تخصیص^۳ امکان تمرکز بر منافع حوزه انتخابیه خاص را امکان‌پذیر می‌کنند و به نوعی نقش کارگزار را برای هدایت حجم بالای بودجه پروژه‌های اختصاصی در راستای تأمین تقاضای منطقه از طریق ایجاد ائتلاف اکثریت منفعت‌جویان^۴ برعهده دارند. اندازه مورد انتظار این ائتلاف، موضوع مطالعاتی در ادبیات انتخاب عقلایی است که از شکل‌گیری ائتلاف اقلیت برنده^۵ (Riker, 1962; بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴) تا مبانی تشکیل ائتلاف عمومیت‌گرا^۶ (Shepsle and Weingast, 1981b) را شامل می‌شود.

در کنار این نظریه، دو نظریه دیگر نیز درخصوص کارکرد کمیته‌ها ارائه شده است:

-
1. Gatekeeping Rule
 2. Evans
 3. Appropriation Subcommittees
 4. Majority Coalition of Benefit Seekers
 5. Minimal Winning Coalition
 6. Universalistic Coalition

اولاً، نظریه حزبی‌گرایی^۱ با اولویت قرار دادن پیگیری اهداف حزبی (به‌طور مشخص، حفظ و گسترش موقعیت حزب اکثریت در پارلمان) به نقش حزب اکثریت، در سازمان‌دهی صحن مجلس و تعیین دستور کار جلسه به‌عنوان یک کارتل^۲ اشاره دارد و کمیته‌ها را ابزارهایی نهادی برای رسیدن به دو هدف اصلی می‌داند؛ نخست، ایجاد اتحاد برای تصویب قوانین مهم با دامنه اثرگذاری ملی و سپس، کمک به اعضا در فرایند انتخابات با استفاده از بودجه پروژه‌های اختصاصی به‌منظور حفظ موقعیت اکثریت.

به این منظور، کمیته‌های دارای دامنه حکمرانی وسیع نظیر کمیته‌های مربوط به حوزه آموزش، بهداشت و ... بر اهداف حزبی تمرکز دارند و اعطای بودجه پروژه‌های اختصاصی به متقاضیان اصلی، به کمیته‌هایی با دامنه فعالیت محدود نظیر کمیته کشاورزی محدود می‌شود تا از این طریق، ضمن حفظ اعتبار حزب و اجتناب از سرزنش حزبی^۳ - به اتهام سوءاستفاده از منابع در اختیار - کمک به اعضا برای انتخاب مجدد همچنان در دستور کار باقی ماند (Balla et al., 2002; Cox and McCubbins, 1993, 2005).

ثانیاً، براساس نظریه اطلاعاتی سازمان‌دهی پارلمان، کمیته‌ها متشکل از نمایندگان اکثریت صحن مجلس هستند که با منطق تقسیم کار و توسعه تخصص‌گرایی به عضویت کمیته‌ها درآمده‌اند. نمایندگان از طریق جمع‌آوری هدفمند اطلاعات و ارائه نطق در صحن مجلس یا در کمیته مربوطه و یا با ایجاد ائتلاف سیاستگذاری، نیازهای حوزه انتخابیه خود و گروه‌های ذی‌نفع را مورد توجه قرار می‌دهند (Krehbiel, 1990, 1992).

1. Partisan Theory

2. Cartel

3. Partisan Blame Avoidance

۳. پیشینه پژوهش

بیشتری از بودجه به‌دست آورده‌اند؛ هرچند حجم بودجه، به ظرفیت کمیته، برای اختصاص بودجه منطقه‌ای وابسته است. لازاروس و استیگروالت^۱ (۲۰۰۹) نیز سهم‌بری بیشتر اعضای کمیته تخصیص (سال مالی ۲۰۰۸) برای هر دو مجلس نمایندگان و سنا را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ در این مطالعه، ریاست کمیته، به‌عنوان امتیازی برای دریافت بودجه بیشتر تأیید نشد.

علاوه بر این، اثر سابقه فعالیت در کمیته‌های خاص (DeBaker, 2011) و به‌طور مشخص کمیته‌های فرعی تخصیص (Clemens, Crespín and Finocchiaro, 2015a)، مزیت عضویت در حزب اکثریت (Albouy, 2013; Clemens, Crespín and Finocchiaro, 2015b)، قدرت رؤسای کمیته‌های فرعی در کنش‌های بودجه‌ای نمایندگان (Berry and Fowler, 2016)، نقش مؤثر جایگاه‌های ویژه پارلمانی بر توزیع بودجه پروژه‌های اختصاصی (Hammond and Rosenstiel, 2020) در حجم بودجه اختصاص‌یافته به مناطق خاص مورد تأیید قرار گرفته است.

یولوباسوقلو و یاراسیر-تولوم^۲ (۲۰۱۹) با بررسی عوامل مؤثر در تخصیص استانی سرمایه‌گذاری عمومی، به این نتیجه رسیده‌اند که در حوزه امور سیاسی توزیع، عوامل سیاسی نقش چشمگیری ایفا می‌کند. در کنار تأیید اثرگذاری حاکمیت حزب راست و هدف‌گذاری بر رأی‌دهندگان مصمم، ویژگی‌های فردی نمایندگان پارلمان، نظیر ارشدیت، تحصیلات و شغل پیشین نماینده رابطه معناداری با حجم سرمایه‌گذاری اختصاص‌یافته به مناطق دارد.

1. Lazarus and Steigerwalt

2. Ulubasoglu and Yaraşır-Tülümce

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۱۹۱...

سعید، نوری‌نیا و محمدعلی‌پور (۱۳۸۳) در تحلیل رفتارها و نگرش‌های نمایندگان مجلس برای خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه نشان دادند که قرار گرفتن نماینده در یکی از فهرست‌های انتخاباتی مطرح، انگیزه خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را کاهش می‌دهد.

براساس مطالعه امیری و صمدیان (۱۳۹۶) تعداد نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی تأثیر زیادی در قدرت چانه‌زنی نمایندگان برای تصویب طرح‌های عمرانی جدید و تخصیص بودجه در تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام دارد.

دین‌محمدی و فرهادی (۱۴۰۱) با بررسی تحلیل استنباطی به این نتیجه می‌رسند که تغییرات کمی لوایح بودجه (۱۴۰۰-۱۳۷۶) جداول مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در فرایند تصویب مجلس تا حدود ۳۰ درصد تغییر کرده‌اند و رویکرد غالب در تغییر این اعتبارات (۸۸ درصد) در جهت افزایش اعتبار ردیف‌های پایدار موجود و ایجاد ردیف اعتبارات جدید بوده است. به این ترتیب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکمیت بودجه پروژه‌های اختصاصی در نظام بودجه‌ریزی ایران به تأیید می‌رسد.

سایر مطالعات داخلی درخصوص کنش نمایندگان در بررسی نطق پیش از دستور (اورکی کوه‌شور و مایلی، ۱۳۹۶؛ ملک‌الساداتی، ۱۳۹۲)، تذکرات به مسئولان اجرایی (توسلی رکن‌آبادی و شعبان شمیرانی، ۱۳۹۲)، پیشنهادها در بودجه سالیانه و سؤال و استیضاح وزیران (دین‌پرستی صالح، ۱۳۹۵) که عمدتاً با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفته است، غلبه رویکردهای منطقه‌ای نسبت به رویکردهای ملی را مورد تأیید قرار می‌دهد و درعین حال، بررسی بیشتری درخصوص عوامل مؤثر بر این کنش صورت نگرفته است.

۴. جایگاه‌های ویژه پارلمانی در مجلس شورای اسلامی و کنش بودجه‌ای نمایندگان

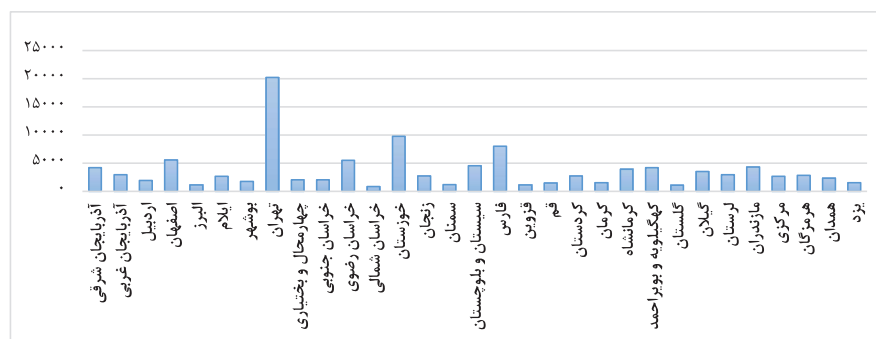
در این پژوهش، قدرت نمایندگان در اثرگذاری بر فرایند تصویب بودجه متأثر از جایگاه‌های پارلمانی ویژه‌ای است که امکان و احتمال موفقیت مداخله را افزایش می‌دهد. در مسئله بودجه و مراحل تصویب پارلمانی آن، براساس مصاحبه با خبرگان، پنج جایگاه عضویت در هیئت‌رئیس، ریاست هرکدام از کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و درنهایت، عضویت در کمیسیون تلفیق مجلس به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه و یا نمایندگی سایر کمیسیون‌ها به عنوان جایگاه‌های مؤثر شناسایی شد که در کنار موقعیت فرد نماینده به لحاظ سابقه نمایندگی (ارشدیت)، گرایش‌های حزبی نمایندگان و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسئله اصلی، بررسی ارتباط میان جایگاه پارلمانی نمایندگان و برآیند آن بر فرایند تصویب پارلمانی بودجه است. از آنجاکه مفهوم بودجه پروژه‌های اختصاصی، مابه‌ازای مشخصی در نظام بودجه‌ریزی ایران ندارد، این مقاله، مطالعه تغییرات پیوست یک لایحه بودجه - مرتبط با اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل درآمد ملی - را مورد توجه قرار داده است. از این رو رویکرد اصلی این پژوهش، تطبیق و مقایسه ارقام ردیف‌های بودجه عمرانی محدود به هریک از استان‌ها در پیوست یک لایحه بودجه با ردیف‌های مزبور در قانون بودجه مصوب طی دو دوره مجلس نهم و دهم (۱۳۹۱-۱۳۹۸) و فرایند تصویب بودجه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است که در نمودار ۳ ارائه شده است.

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۱۳۹۳

نمودار ۳. تغییر اعتبار طرح‌های عمرانی ملی در فرایند تصویب بودجه در دوره‌های نهم

و دهم مجلس شورای اسلامی (به تفکیک استان / میلیارد ریال)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

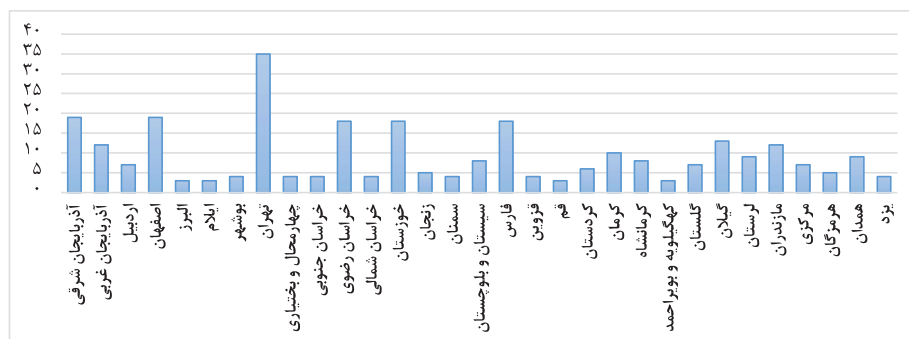
براساس اطلاعات نمودار، در مجموع هشت سال و طی فرایند تصویب بودجه سال‌های

۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، استان تهران بیشترین افزایش اعتبارات عمرانی معادل ۶۰۸/۱۹۷/۲۰

میلیارد ریال و استان خراسان شمالی با افزایش اعتبار عمرانی معادل ۵۴/۸۵۴ میلیارد

ریال کمترین میزان افزایش اعتبارات را طی دوره مورد نظر تجربه کرده‌اند.

نمودار ۴. تعداد کرسی‌های نمایندگان استان‌های کشور

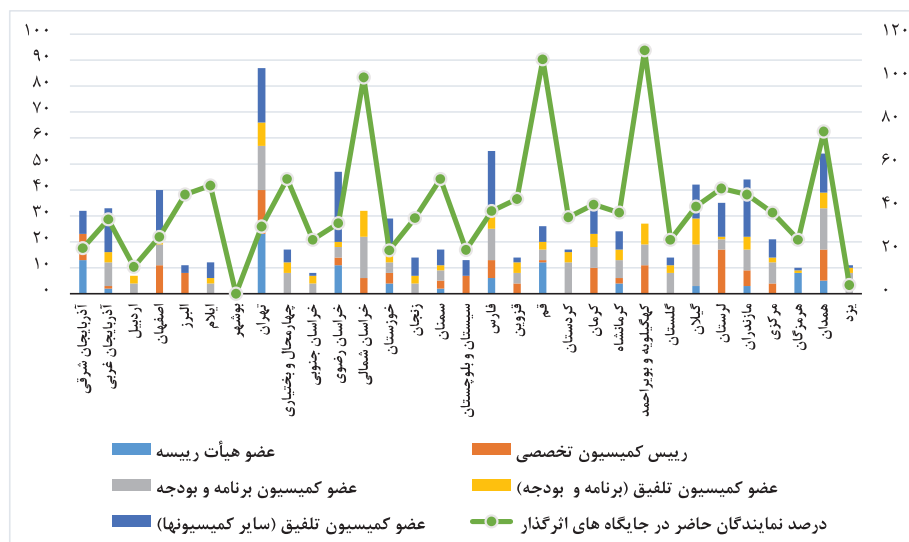


مأخذ: سایت مجلس شورای اسلامی.

نمودار ۴ تعداد کرسی‌های نمایندگی ۳۱ استان کشور را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، استان تهران با ۳۵ نماینده، دارای بیشترین تعداد کرسی‌های نمایندگی و استان‌های البرز، ایلام، قم و کهگیلویه و بویراحمد با سه نماینده، کمترین تعداد کرسی‌های نمایندگی استانی را در مجلس شورای اسلامی در اختیار دارند.

نمودار ۵. جایگاه‌های پارلمانی و درصد نمایندگان حاضر در جایگاه‌های اثرگذار طی

دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

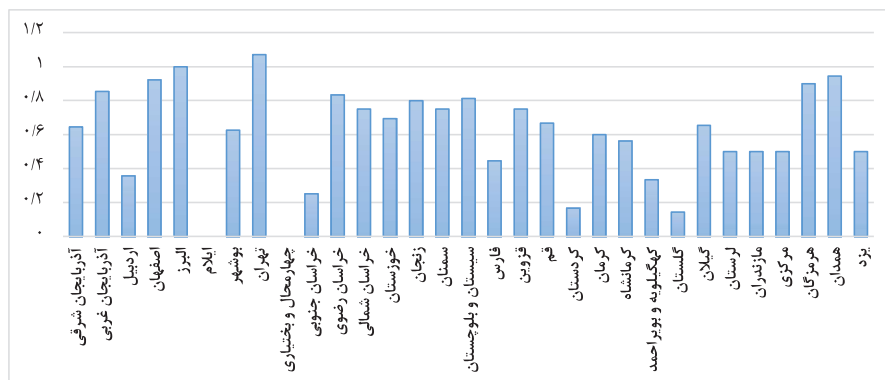
نمودار ۵ موقعیت استان‌های کشور را در تصاحب جایگاه‌های پارلمانی ویژه طی دو دوره مدنظر مجلس نشان می‌دهد. نمودار ستونی، بیانگر تعداد نمایندگان استانی عضو پنج جایگاه تعریف شده است و نمودار خطی درصد نمایندگانی را نشان می‌دهد که توانسته‌اند این جایگاه‌های ویژه را تصاحب کنند. نکته قابل توجه، وضعیت استان بوشهر است که طی دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی هیچ نماینده‌ای در

این پنج جایگاه ویژه نداشته است. این در حالی است که براساس نمودار خطی، نمایندگان استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و قم از امکان عضویت هم‌زمان در کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق و یا عضویت هم‌زمان در هیئت‌رئیس و کمیسیون تلفیق استفاده کرده‌اند و بنابراین، عدد مربوطه، بیش از ۱۰۰ درصد ظرفیت نمایندگان استان است. در رده بعدی، استان‌های خراسان شمالی و همدان قرار دارد. کمترین حضور، به‌ترتیب به استان‌های بوشهر، یزد و اردبیل مربوط می‌شود. در این دو دوره، استان‌های اردبیل، البرز و سیستان و بلوچستان تنها دو مورد از پنج جایگاه ویژه حضور داشته‌اند.

علاوه بر این، پس از استان تهران، استان‌های آذربایجان شرقی، قم و خراسان رضوی بیشترین حضور را در هیئت‌رئیس مجلس داشته‌اند. بیشترین حضور به‌عنوان ریاست کمیسیون تخصصی در اختیار استان لرستان بوده است. درخصوص حضور در کمیسیون‌های برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق می‌توان به‌ترتیب به استان‌های تهران، همدان و نیز خراسان رضوی، فارس و مازندران اشاره کرد.

نمودار ۶ موضوع ارشدیت و سابقه نمایندگی نمایندگان استانی را طی دوره مورد نظر نشان می‌دهد.

نمودار ۶. متوسط سابقه نمایندگان استان طی دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۱)



مأخذ: همان.

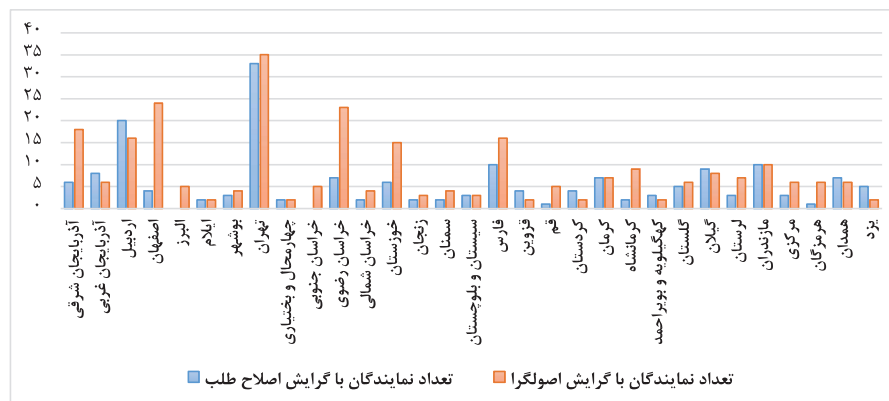
محاسبه متغیر ارشدیت نمایندگان، براساس محاسبه متوسط دوره‌های سابقه نمایندگی هر استان طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. براساس اطلاعات نمودار، استان‌های ایلام و چهارمحال و بختیاری در مجموع هر دو دوره، نمایندگانی را به مجلس شورای اسلامی معرفی کرده‌اند که سابقه فعالیت نمایندگی نداشته‌اند. پس از آن، نمایندگان استان‌های گلستان و کردستان کمترین سابقه نمایندگی را دارند. استان‌های تهران، البرز، همدان، هرمزگان و اصفهان در بالای این رده‌بندی قرار می‌گیرند.

درنهایت، نمودار ۷ نشان‌دهنده وضعیت گرایش حزبی نمایندگان این دو دوره است.

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۱۳۹۰...

نمودار ۷. تعداد نمایندگان استان با گرایش های حزبی اصول گرا و اصلاح طلب دوره های

نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۱)



مأخذ: همان.

براساس اطلاعات نمودار فوق، به استثنای استان های یزد، همدان، گیلان، اردبیل و آذربایجان غربی که بیشتر به انتخاب نمایندگان با گرایش حزبی اصلاح طلب تمایل داشته اند و نیز تعداد برابر نمایندگان هر دو گرایش سیاسی در استان های ایلام، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کرمان و مازندران، در سایر استان ها غلبه با نمایندگان گرایش اصول گرا بوده است.

۵. روش تحقیق

در این بخش، به منظور استخراج ارتباط میان کنش بودجه ای نمایندگان با عواملی نظیر جایگاه پارلمانی نمایندگان استان، تعداد کرسی های نمایندگی استان، ارشدیت و سابقه نمایندگی و در نهایت گرایش های حزبی منتخبان استانی از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی^۱ استفاده می شود. داده های مورد نظر اعتبارات پیوست یک

1. Ordinary Least Squares (OLS)

لایحه بودجه و قانون بودجه کل کشور منطبق با دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۹۲)، سایت رسمی مجلس شورای اسلامی استخراج شده است. اولین گام در بررسی نقش جایگاه پارلمانی نمایندگان بر فرایند تصویب بودجه، توجه به تفاوت قدرت نفوذ این جایگاه‌ها است. از این رو، پرسشنامه‌ای در قالب طیف پنج گزینه‌ای کیفی لیکرت، در اختیار نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی - به عنوان خبرگان امر - قرار گرفت که به مقایسه زوجی پنج جایگاه پارلمانی ویژه مؤثر بر فرایند بودجه اشاره داشت.^۱ نمونه مشابهی از پرسشنامه طراحی شده در پیوست مقاله (جدول الف) آمده است. با این توضیح که پرسشنامه مقاله، به صورت مقایسه توصیفی طراحی شده و ارزش‌گذاری‌های عددی برای کمی‌سازی نتایج، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها صورت گرفته است. پس از جمع‌آوری نظر ۲۱ نماینده مجلس شورای اسلامی و انجام معادل‌سازی‌های عددی، تحلیل نهایی با استفاده از فرایند تکنیک AHP و براساس خروجی نرم‌افزار اکسپرت چویس^{۱۱۲} به دست آمده که در قالب جدول (پیوست ب) ارائه شده است.

براساس اطلاعات جدول (ب) پیوست، عضویت در هیئت‌رئیس، ضریب تأثیری معادل ۰/۲۹۹، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه) ۰/۲۷۸، تصدی ریاست کمیسیون تخصصی مجلس ۰/۲۲۹، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از سایر کمیسیون‌ها) ۰/۱۲۴ و عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ضریب تأثیری معادل ۰/۰۷۰ را به خود اختصاص داده‌اند. نرخ سازگاری نیز در حد قابل قبول ($CR < 0/1$) و معادل ۰/۰۶ به دست آمد که نشان‌دهنده دقت این مقایسه

۱. براساس طیف‌بندی لیکرت، فرد تصمیم‌گیرنده برای مقایسه n گزینه، باید به $\frac{n(n-1)}{2}$ پرسش پاسخ دهد. بنابراین، برای مقایسه پنج جایگاه پارلمانی، ۱۰ سؤال مقایسه‌ای ارائه شده است.

زوجی و تأیید این نکته است که قضاوت‌ها به صورت تصادفی اعمال نشده است. مدلی که برای بررسی نهایی اثرگذاری موقعیت پارلمانی نمایندگان استان بر کنش بودجه‌ای نمایندگان استان در نظر گرفته شده، به صورت ذیل است:

$$Y = \alpha + \beta_1 Position + \beta_2 Seat + \beta_3 Seniority + \beta_4 Ln + \beta_5 Rn + \beta_6 Va_{share} + \beta_7 Density + \varepsilon$$

Y معادل تغییر بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی است که براساس مطالعه تغییرات پیوست یک لایحه بودجه کل کشور در فرایند تصویب پارلمانی استخراج شده است و رقم مربوطه، مجموع تغییرات بودجه عمرانی استانی را برای دوره هشت ساله (تصویب بودجه ۱۳۹۹-۱۳۹۲) نشان می‌دهد.

نشان‌دهنده تعداد نمایندگان استان حاضر در جایگاه‌های ویژه پارلمانی طی دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی است که با لحاظ ضریب مؤثر جایگاه‌های پنج‌گانه وارد شده است. تعداد کرسی‌های نمایندگی استان، معادل متوسط سابقه نمایندگی نمایندگان استان، تعداد نمایندگان استان با گرایش اصلاح طلب و تعداد نمایندگان استان با گرایش اصول‌گرا را نشان می‌دهد. معناداری متغیرهای، و می‌تواند به ترتیب معادل تأیید نظریه منافع کمیته و نظریه حزبی‌گرایی در پارلمان ایران باشد. به منظور تصریح بهتر مدل و لحاظ ویژگی‌های اقتصادی منطقه برای اختصاص بودجه عمرانی، دو متغیر سهم استان از ارزش افزوده ملی و تراکم جمعیت استان به مدل اضافه شده است که مبتنی بر داده‌های مرکز آمار ایران است.

جدول ۱ حالت‌های مختلف تصریح مدل و نتایج برآوردها را با خروجی نرم‌افزار استتا ۱۷^۱ نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول و گزارش معیار آکائیک^۲، مدل ۸ برای برآورد شناسایی بهتر است.

1. Stata 17

2. Akaike Information Criterion

جدول ۱. انتخاب بهترین تصریح مدل براساس معیار آکائیک

متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
Position	۳۹/۷۷۵ (۰/۰۶۲)	۳۸/۵۰۳ (۰/۰۷۸)	۴۷/۳۶۶ (۰/۰۲۵)	۲۲/۶۷۷ (۰/۵۴۱)	۴۸/۹۱۸ (۰/۰۵۱)	۳۹/۹۳۵ (۰/۲۸۳)	۴۱/۹۷۰ (۰/۲۲۳)	۵۷/۶۲۳ (۰/۰۰۷)
Seat	۲۱/۰۱۰ (۰/۶۸۴)				۱۹/۰۶۴ (۰/۱۰۹)		۵۹/۴۶۷ (۰/۰۱۳)	۵۹/۱۹۱ (۰/۰۰۹)
Seniority			-۵۳/۴۶۴ (۰/۰۶۴)		-۴۸/۹۵۸ (۰/۰۸۰)	-۵۲/۶۷۹ (۰/۰۸۶)		-۵۲/۲۰۰ (۰/۵۰۳)
Ln				۲۱/۶۳۱ (۰/۵۹۳)		۵/۹۸۴ (۰/۸۸۰)	۷۶/۲۵۶ (۰/۱۴۹)	۹۱/۳۰۷ (۰/۰۷۴)
Rn				۱۰/۸۳۲ (۰/۶۶۲)		۷/۰۷۰ (۰/۷۶۷)	۸۵/۸۶۶ (۰۵۳)	۸۹/۱۴۵ (۰/۰۳۵)
Va_Share	۹۳/۰۳۷ (۰/۰۰۰)	۸۸/۱۷۷ (۰/۰۰۰)	۹۱/۳۸۷ (۰/۰۰۰)	۷۶/۳۴۷ (۰/۰۳۵)	۶۵/۷۸۱ (۰/۰۰۵)	۸۳/۴۴۵ (۰/۰۱۹)	۱۱۰/۷۷۰ (۰/۰۰۳)	۱۱۷/۶۴۴ (۰/۰۰۱)
Density	-۵۱۴/۱۰ (۰/۰۰۶)	-۳۸۱/۲۲ (۰/۳۲۲)	-۳۲۴/۹۱ (۰/۳۴۰)	۲۳۵/۸۰ (۰/۰۳۰)	-۲۳۰/۰۰ (۰/۵۲۵)	۲۷۱/۰۰ (۰/۵۰۲)	۱۲۲/۴۵۵ (۰/۰۷۵)	۸۲/۴۰۵ (۰/۸۱۹)
Con_	۶۰۸/۶۹۶ (۰/۲۰۵)	۴۷۸/۶۲ (۰/۳۸۱)	۲۵۵۷/۰۹ (۰/۰۳۰)	۶۱۴/۵۳ (۰/۲۲۸)	۲۱۴۶/۹۱ (۰/۰۶۴)	۲۵۲۸/۵۸ (۰/۰۴۱)	۱۸۶۷/۵۳ (۰/۰۹۸)	۱۷۰۲ (۰/۱۲۵)
R2	۰/۸۵۶۴	۰/۸۳۴۷	۰/۸۳۸۱	۰/۸۵۹۳	۰/۸۳۱۸	۰/۸۲۷۲	۰/۸۲۴۲	۰/۸۲۰۸
F	۵۳/۶۶ (۰/۰۰۰)	۳۸/۸۸ (۰/۰۰۰)	۳۹/۸۲ (۰/۰۰۰)	۳۰/۵۳ (۰/۰۰۰)	۳۰/۶۷ (۰/۰۰۰)	۲۴/۹۴ (۰/۰۰۰)	۲۴/۴۴ (۰/۰۰۰)	۲۰/۵۵ (۰/۰۰۰)
AIC	۵۴۳/۶۹۹	۵۴۵/۶۱	۵۴۴/۹۸	۵۴۰/۰۵	۵۴۶/۹۴	۵۴۸/۱۸	۵۴۰/۹۴	۵۳۷/۹۰

مأخذ: یافته های تحقیق

بنابر نتایج به دست آمده از برآورد مدل ۸، متغیر جایگاه پارلمانی ویژه نمایندگان استان با ضریب ۵۷/۶۲۳ واحد در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر تغییر بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه اثرگذار است. علاوه بر این، تعداد کرسی های نمایندگی استان و تعداد نمایندگان دارای گرایش اصلاح طلب و اصول گرا نیز رابطه

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۲۰۱۰۰

مثبت و معناداری با کنش بودجه‌ای نمایندگان استان دارد. برآورد ضریب متغیر
ارشدیت به صورت منفی و غیرمعنادار گزارش شده است.

در نهایت، متغیر سهم استان از ارزش افزوده کل کشور با ضریب ۱۱۷/۶۴۴ واحد
در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر تغییر بودجه عمرانی استان از محل درآمد ملی در
صحن مجلس اثرگذار است. این در حالی است که اثر متغیر تراکم جمعیت معنادار
نیست. نتایج به دست آمده از متغیرهای اقتصادی نشان دهنده توجه نمایندگان استان
به امکانات و زیرساخت‌های استان در چانه‌زنی‌ها و لابی‌های بودجه‌ای است که بیش
از مسئله برابری و رویکرد عدالت‌محور برای افزایش ظرفیت جذب بودجه عمرانی
مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در جدول ۲ به مقایسه دو دوره نهم و دهم
مجلس شورای اسلامی می‌پردازد.

جدول ۲. مقایسه متغیرهای اقتصادی میان دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

متغیر	دوره نهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴-۱۳۹۱)	دوره دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵-۱۳۹۸)
Position	۱۲۲/۴۵۴۷*	۴۵۱/۷۴۸۲*
Seat	۱۲۵/۱۳۰۷*	۳۰۳/۳۳۵۴*
Seniority	۳/۴۴۰۸	۱۷/۹۲۸۵۷
Ln	۴۱/۳۳۷۲۸	۷۹/۶۷۳۹۷*
Rn	۳۱/۰۳۸۹	۸۹/۵۱۳۲۵*
Gdp_Share	۷۴/۸۹۶۸**	۱۰۱/۷۳۴۹*
Density	-۲۳۰/۰۰۰۴	-۲۷۲/۰۱۴۳
Con_	۸۳/۴۰۰۷	-۲۴/۷۳۵۵۴
F Test	۱۹/۴۹**	۲۴/۸۲**
Adj R ^۲	۰/۸۱۱۸	۰/۸۴۷۵

توضیح: * معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد.
مأخذ: همان.

نتایج حاصل از برآورد مدل OLS در جدول ۲ نشان می‌دهد که در هر دو دوره جایگاه‌های ویژه پارلمانی اثر معناداری بر افزایش بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه داشته‌اند و تعداد نمایندگان استان نیز در این خصوص، مثبت و معنادار محاسبه شده است. متغیر سهم استان از تولید ارزش افزوده کشور نیز به صورت مثبت و معنادار و با ضرایب $74/9$ و $101/7$ واحد برای دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی گزارش شده و همچنان، مسئله تراکم جمعیت، اثر معناداری بر کنش بودجه‌ای نمایندگان استان نداشته است. تنها تفاوت میان این دو دوره، معناداری تعداد اعضای احزاب اصلاح طلب و اصول گرا در دوره دهم مجلس شورای اسلامی است که در دوره نهم، به صورت ضریب معنادار گزارش نشده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس جایگاه نظام بودجه‌ریزی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان، مطالعه و بررسی انگیزه‌ها و سطوح مداخله کنشگران فعال در این حوزه، ازجمله مسائل و موضوع‌های مهم مطالعاتی به‌شمار می‌آید. براساس قانون اساسی کشور، قوه مقننه در نظام بودجه‌ریزی کشور اثرگذار است و بررسی میزان تغییرات لایحه بودجه در فرایند تصویب پارلمانی، این موضوع را تأیید می‌کند. در این پژوهش، ضمن تمرکز بر ادبیات اقتصاد سیاسی نهادهای پارلمانی ازجمله کمیسیون‌های مجلس، به نقش جایگاه‌های ویژه نمایندگی و گرایش‌های حزبی، ارشدیت و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان می‌پردازد. متغیر مورد مطالعه، تغییر اعتبارات عمرانی استان از محل درآمدهای ملی است که از مقایسه تغییر ارقام پیوست یک لایحه بودجه کل کشور برای دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۹۲) استخراج شده است.

در مرحله اول براساس رویکرد AHP ضریب تأثیر جایگاه‌های ویژه نمایندگی شامل پنج موقعیت معرفی شده محاسبه شد. براساس نتایج به‌دست آمده، به‌ترتیب جایگاه‌های عضویت در هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه)، تصدی ریاست کمیسیون تخصصی مجلس، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از سایر کمیسیون‌ها) و عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات بیشترین تأثیرگذاری را بر روند تصویب پارلمانی بودجه دارد.

در ادامه و پس از تصریح مدل رگرسیونی مبتنی بر اثرگذاری مطالبات منطقه‌ای و اهداف انتخاباتی در هدایت بودجه عمرانی و نیز اثرگذاری گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های حزبی بر کنش بودجه‌ای نمایندگان مجلس مشخص شد که به‌استثنای متغیر رشدیت، سایر متغیرها شامل تعداد نمایندگان استانی حاضر در جایگاه‌های ویژه (با در نظر گرفتن ضریب تأثیر جایگاه مزبور براساس خروجی تحلیل AHP)، تعداد نمایندگان استانی با گرایش‌های حزبی و نیز تعداد کرسی‌های نمایندگی استان رابطه مثبت و معناداری با افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی در دوره مورد بررسی داشته است. بنابراین، براساس ادبیات مربوط به سازمان‌دهی پارلمانی، با تأیید ارتباط میان تصاحب جایگاه‌های ویژه پارلمانی با افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی، نظریه توزیعی یا نظریه منافع کمیته در پارلمان ایران قابلیت انطباق دارد. علاوه بر این، تأیید ارتباط میان تعداد نمایندگان دارای گرایش‌های حزبی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، می‌تواند به‌معنای پذیرش اثرگذاری احزاب در جهت‌گیری کنش‌های بودجه‌ای نمایندگان باشد. هرچند در اقتصاد ایران به‌معنای واقعی و سیاسی آن وجود ندارد و جناح‌های موجود فاقد دیدگاه مدون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند؛ اما «تقدم گرایش سیاسی بر گرایش اقتصادی و اولویت گرایش و منافع حزبی در مصوبات و انفعال فراکسیون‌های اقتصادی در مقابل

فراکسیون‌های سیاسی» (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۸) حاکم است. به لحاظ آماری، متغیر ارشدیت و سابقه نمایندگی تأثیر معناداری در تغییر بودجه عمرانی ندارد. درواقع، هرچه سطح اعتبار و شهرت نماینده ارتقا یابد، انتظار می‌رود مسئله تلاش برای افزایش احتمال انتخاب مجدد در دوره آتی انتخابات مجلس، از مسیرهای دیگر غیر از تأمین بودجه عمرانی برای کل حوزه انتخابیه تأمین شود و به دلیل گسترش شبکه ارتباطی نماینده مزبور و عدم شفافیت اطلاعات، پیگیری آن حداقل در نظام اقتصادی ایران، بسیار دشوار است.

علاوه بر این، براساس نتایج به‌دست آمده، موضوع ظرفیت استان به لحاظ جذب سرمایه‌گذاری‌های عمرانی مؤلفه‌ای است که در این افزایش بودجه عمرانی مورد توجه نمایندگان قرار دارد. به عبارت بهتر، نمایندگان استان‌هایی که سهم بیشتری از ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص می‌دهند و بنابراین، در رده‌های بالای صنعتی بودن قرار دارند، بیش از سایر نمایندگان از امکان و توانایی استفاده از ظرفیت‌های پارلمانی برخوردارند و نتیجه این امر، افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و توسعه نامتوازن در سطح کشور می‌شود. مسئله‌ای که باید بیش از همه، مورد توجه نمایندگان استان‌های کم برخوردار قرار گیرد.

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۲۰۵۰۰

پیوست

جدول الف. نمونه فرم پرسشنامه

جایگاه پارلمانی	شدت اهمیت نسبی									جایگاه پارلمانی
ب	اکیداً بیشتر	بسیار بیشتر	بیشتر	اندکی بیشتر	یکسان	اندکی بیشتر	بیشتر	بسیار بیشتر	اکیداً بیشتر	الف
	۹	۷	۵	۳	۱	۳	۵	۷	۹	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ب. ماتریس مقایسه‌های زوجی و وزن اهداف

وزن اهداف	مقایسه‌های زوجی					اهداف
	عضو کمیسیون برنامه و بودجه	عضو کمیسیون تلفیق (نماینده سایر کمیسیون‌ها)	رئیس کمیسیون تخصصی	عضو کمیسیون تلفیق (نماینده برنامه و بودجه)	عضو هیئت رئیسه	
۰/۲۹۹	۲/۸۱۷۰۳	۲/۰۸۹۳۵	۰/۷۳۶۲۶	۲/۶۵۲۴	۱	عضو هیئت رئیسه
۰/۲۷۸	۳/۲۵۵۲۹	۲/۷۱۵۵۹	۱/۰۵۹۰۲	۱		عضو کمیسیون تلفیق (نماینده برنامه و بودجه)
۰/۲۲۹	۳/۸۲۳۹۴	۲/۳۵۷۷۳	۱			رئیس کمیسیون تخصصی
۰/۱۲۴	۲/۶۰۸۲۱	۱				عضو کمیسیون تلفیق (نماینده سایر)
۰/۰۷۰	۱					عضو کمیسیون برنامه و بودجه

مأخذ: همان.

منابع و مآخذ

۱. امیری، حسین و فرزانه صمدیان (۱۳۹۶). «تأثیر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی (مطالعه موردی: استان‌های ایران)»، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۳۰.
۲. اورکی کوه‌شور، محسن و محمدرضا مایلی (۱۳۹۶). «تحلیل اثر انتخاباتی در عملکرد و جهت‌گیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۴۸.
۳. بوکانان، جیمز و گوردن تالوک (۱۳۹۴). محاسبه رضایت: مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی) و امیر آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی.
۴. پارسونز، واین (۱۳۹۲). مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ترجمه حمیدرضا محمدی، جلد اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. توسلی رکن‌آبادی، مجید و علیرضا شعبان‌شمیرانی (۱۳۹۲). «نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم»، جستارهای سیاسی معاصر، ۴ (۴).
۶. حسین‌پور، داود، فتاح شریف‌زاده، روح‌اله نوری و امید کریمیان (۱۳۹۸). «ارزیابی خط‌مشی‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد»، مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲ (۷).
۷. درازن، آلن (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان، ترجمه جعفر خیرخواهان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸. دین‌پرستی صالح، فائزه (۱۳۹۵). «تحلیل کنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منظر سیاست‌های عمومی دولت»، دولت‌پژوهی، ۲ (۸).
۹. دین‌محمدی، مصطفی و زینب فرهادی (۱۴۰۱). «اقتصاد سیاسی تغییرات لایحه بودجه (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) در مجلس شورای اسلامی»، پژوهش‌های اقتصادی، ۲۳ (۳).
۱۰. سایت مرکز آمار ایران <https://amar.org.ir>
۱۱. سایت مجلس شورای اسلامی <https://majlis.ir>

اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه براساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران ۲۰۰۷

۱۲. سعید، پدram، حسین نوری‌نیا و فریده محمدعلی‌پور (۱۳۸۳). «پژوهشی درباره رفتار و نگرش نمایندگان مجلس درباره «خدمت به حوزه انتخابیه»»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۰۱۹.
۱۳. قاسمی، محمد (۱۳۸۱). «رئیس‌جمهور و چالشی به نام بودجه‌ریزی در ایران»، مجلس و پژوهش، ش ۴۶.
۱۴. قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب ۱۳۵۱.
۱۵. قوانین بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۶.
۱۶. قوانین بودجه کل کشور مربوط به سال‌های (۱۳۹۹-۱۳۹۲). «پیوست شماره یک: اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای».
۱۷. لوایح بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۶.
۱۸. لوایح بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۲. «پیوست شماره یک: اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای».
۱۹. ملک‌الساداتی، سیدسعید (۱۳۹۲). «نهادهای انتخاباتی و مشکل منبع مشاع در بودجه‌ریزی عمرانی کشور»، رساله دکتری گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
20. Alexander, D., C.R. Berry and W.G. Howell (2016). "Distributive Politics and Legislator Ideology", *The Journal of Politics*, 78 (1), <https://doi.org/10.1086/683643>.
21. Albouy, D. (2013). "Partisan Representation in Congress and the Geographic Distribution of Federal Funds", *He Review of Economics and Statistics*, 95 (1), <https://www.jstor.org/stable/23355655>.
22. Balla, S.J., E.D. Lawrence, F. Maltzman and L. Sigelman (2002). "Partisanship, Blame Avoidance and the Distribution of Legislative Pork", *American Journal of Political Science*, 46 (3), <https://doi.org/10.2307/3088396>.
23. Bake, M. (2021). "Overview of Parlimentary Discretionary Spending", Transparency Interntional the Global Coalition Against Corruption, <https://knowledgehub.transparency.org/helpdesk/overview-of-parliamentary-discretionary-spending>.
24. Bernholz, P. (2012). "From the Calculus of Consent to Extended Logrolling, Negative Externalities, and the Coase Theorem", *Public Choice*, 152 (3), <https://www.jstor.org/stable/23260552>
25. Berry, C.R. and A. Fowler (2016). "Cardinals or Clerics? Congressional Committees and the Distribution of Pork", *American Journal of Political Science* 60 (3) , <https://doi.org/10.1111/ajps.12192>

26. Bickers, K.N., D. Evans, R. Stein and R.D. Wrinkle (2007). *The Electoral Effect of Credit Claiming for Pork Barrel Projects in Congress* in Annual Meeting of the American Political Science Association, Yale University.
27. Bickers, K.N. and R. Stein (1996). "The Electoral Dynamics of the Federal Pork Barrel", *American Journal of Political Science*, 40 (4), <https://doi.org/10.2307/2111752>
28. Clemens, A., M. Crespin and C.J. Finocchiaro (2015a). "Earmarks and Subcommittee Government in the U.S. Congress", *American Politics Research*, 43 (6), <https://doi.org/10.1177/1532673x15576952>.
29. ----- (2015b). "The Political Geography of Distributive Politics", *Legislative Studies Quarterly*, 40 (1), <https://doi.org/10.1111/lsq.12067>.
30. Colmenares, N.J. (2017). "Political Corruption in Philippine Elections: Money Politics Through the Pork Barrel System", *Australian Journal of Asian Law*, 18 (2), <https://ssrn.com/abstract=3144932>.
31. Cox, G.W. and M.D. McCubbins (1993). *Legislative Leviathan: Party Government in the House*, University of California Press.
32. ----- (2005). *Setting the Agenda: Responsible Party Government in the U.S. House of Representatives*, Cambridge University Press.
33. Crespin, M.H. and C.J. Finocchiaro (2008). "Distributive and Partisan Politics in the U.S. Senate: An Exploration of Earmarks", In N.W. Monroe, J.M. Roberts and D.W. Rohde (Eds), *Why Not Parties? Party Effects in the United States Senate*, Chicago: University of Chicago Press.
34. Curto-Graua, M. and G. Zudenkova (2018). "Party Discipline and Government Spending: Theory and Evidence", *Public Economics*, 164, <https://ssrn.com/abstract=2874868>
35. DeBaker, J. (2011). "The Price of Pork: The Seniority Trap in the U.S. House", *Journal of Public Economics*, 95, <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.09.007>.
36. Dinparasti Saleh, F. (2017). "Analyzing Parliament's Function in Performance of Government Policies", *States Studies*, 2 (8).
37. Evans, D. (2004). *Greasing the Wheels: Using Pork Barrel Projects to Build Majority Coalitions in Congress*, Cambridge University Press, <https://doi.org/10.1002/j.1538-165X.2005.tb01371.x>.
38. ----- (2011). "Pork Barrel Politics", In E. Schickler, F.E. Lee and G.C. Edwards III (Eds.), *The Oxford Handbook of the American Congress*, Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199559947.003.0014>

39. Farina, F. (2005). "Constitutional Economics I", In J.G. Backhaus (Ed.), *The Elgar Companion to Law and Economics*, Edward Elgar.
40. Fourniaies, A. and A.B. Hall (2017). "How Do Interest Groups Seek Access to Committees?", *American Journal of Political Science*, 62 (1), <https://doi.org/10.1111/ajps.12323>.
41. Green, S. (2022). "Identifying Potential Pork-barrel Legislation Using Machine Learning: A Preliminary Analysis", *The Dartmouth Undergraduate Journal of Politics, Economics, and World Affairs*, 1 (4).
42. Hammond, B. and L. Rosenstiel (2020). "Measuring the Influence of Political Actors on the Federal Budget", *American Political Science Review*, 114 (2), <https://doi.org/https://doi.org/10.1017/S0003055419000881>.
43. Kennedy, S. (2015). *All About Pork: The History, Abuse, and Future of Earmarks*, <https://www.cagw.org/sites/default/files/pdf/2021PigBook.pdf>.
44. Kerevel, Y.P. (2015). "Pork-Barreling Without Reelection? Evidence from the Mexican Congress", *Legislative Studies Quarterly*, 40 (1), <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/lsq.12068>.
45. Klingensmith, J.Z. (2019). "Political Entrepreneurs and Pork Barrel Spending", *Economies*, 7 (16), <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/economies7010016>.
46. Knight, B. (2005). "Estimating the Value of Proposal Power", *American Economic Review*, 95 (5), <https://doi.org/10.1257/000282805775014290>.
47. Krehbiel, K. (1990). "Are Congressional Committees Composed of Preference Outliers?", *American Political Science Review*, 84 (1), <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/1963634>.
48. ----- (1992). *Information and Legislative Organization*, University of Michigan Press.
49. Lazarus, J. (2009). "Party, Electoral Vulnerability and Earmarks in the U.S. House of Representatives", *Journal of Politics*, 71, <https://doi.org/https://doi.org/10.1017/S0022381609090872>
50. Lazarus, J. and A. Steigerwalt (2009). "Different Houses: The Distribution of Earmarks in the U.S. House and Senate", *Legislative Studies Quarterly*, 34 (3), <https://www.jstor.org/stable/20680246>.
51. Lynch, M. (2020). "Lifting the Earmark Moratorium: Frequently Asked Questions", *Congressional Research Service*, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R45429>.

52. Mayhew, D.R. (1974). *Congress: The Electoral Connection*, New Haven: Yale University Press.
53. Mueller, D.C. (2019). "Public Choice: Early Contributions", In R.D. Congleton, B. Grofman, and S. Voigt (Eds.), *The Oxford Handbook of Public Choice* (Vol. 1th), Oxford University Press.
54. Niskanen, W.A. (1971). *Bureaucracy and Representative Government*, Chicago: Aldine-Atherton Press.
55. Ostrom, E. (2007). "Challenges and Growth: the Development of the Interdisciplinary Field of Institutional Analysis", *Journal of Institutional Economics*, 3 (3), <https://doi.org/10.1017/S1744137407000719>.
56. Persson, T. and G. Tabellini (2000). *Political Economics, Explaining Economic Policy*, The MIT Press.
57. Riker, W.H. (1962). *The Theory of Political Coalitions*, Yale University Press.
58. Shaw, J. (2005). "Public Choice Theory", <http://www.econlib.org/library/enc1/publicchoicetheory.html>.
59. Shepsle, K.A. and B.R. Weingast (1981a). "Structure-induced Equilibrium and Legislative Choice", *Public Choice*, 37(3), <https://www.jstor.org/stable/30023510>
60. ----- (1981b). "Political Preferences for the Pork Barrel: A Generalization", *American Journal of Political Science*, 25 (1), <https://doi.org/10.2307/2110914>.
61. Stein, R.M. and K.N. Bickers (1994). "Congressional Elections and the Pork Barrel", *Journal of Politics*, 56 (2), <https://doi.org/10.2307/2132144>
62. Tullock, G. (2008). "Public Choice", In S.N. Durlauf and L.E. Blume (Eds.), *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Palgrave Macmillan Press.
63. Ulubasoglu, M.A. and S. Yaraşır-Tülümce (2019). "Pork and Turkey: Distributive Politics in the Allocation of Public Investments into Turkish Electoral Districts 1987–2004", *MPRA Paper 96842*, University Library of Munich, Germany.
64. Weingast, B.R. and W.J. Marshall (1988). "The Industrial Organization of Congress; Or, Why Legislatures, Like Firms, are Not Organized as Markets", *Political Economy*, 96 (1), <https://www.jstor.org/stable/1830714>.
65. Weingast, B.R., K. Shepsle and C. Johnsen (1981). "The Political Economy of Benefits and Costs: A Neoclassical Approach to Distributive Politics", *Political Economy*, 89, <https://www.jstor.org/stable/1833029>.